

متن پرسش

به نام خدا و با عرض سلام استاد این که می فرمایید شخص در عین ثا بته اش که در علم خداست شخصیت خود را انتخاب کرده و در عین ثا بته اش اراده کرده است یعنی چه مگر علم خدا جای اراده کردن ماست بله می توان گفت که خدا در علمش می داند این شخص چه انتخابهای در دنیا می کند و لی این که مثلاً شخص در علم خدا انتخاب کرده زنا زاده با شد اصلاً مفهوم نیست مگر آنجا ما وجود تعیین یافته شخصیه خارجی داریم اگر طرفی بر چه اساسی شخص انتخاب می کند زنا زاده باشد مگر نتیجه ای نفعی یا لذتی از این انتخاب می برد که چنین انتخاب شومی که در دنیا سر افکنده و در آخرت عموماً گرفتار عذاب باشد را بکند و اساساً اگر کسی آنجا که نه پیامبر و هادی است و نه دار امتحان است انتخاب کند اگر بتوانیم چنین انتخابی را بپذیریم چه ارزشی دارد ؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مگر در قرآن نداریم: «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» چون خدا چیزی را اراده کرد که خلق کند به آن چیز می گوید بشو و آن چیز موجود می شود. پس معلوم است آن شیئی در آن حدّ که مورد خطاب الهی قرار گیرد در علم خدا موجود بوده، از طرفی خداوند خلق هر چیزی را به آن چیز می دهد و در این رابطه حضرت موسی و هارون «علیهمالسلام» در معرفی خداوند می فرمایند: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» پروردگاران آن کسی است که خلقت مخصوص به هر چیزی را به آن چیز می دهد و سپس آن چیز را پس از آن که خلقت اش را به آن داد، هدایت می کند. از این لحاظ خلقت آن کسی که می خواهد مرد باشد و مثلاً در چنین شرایطی مثلاً در تهران به دنیا بیاید را به او می دهد و با این مبنا باید متوجه بود اگر کسی زنا زاده شد، خداوند خلقت او را به او داده است و این که چرا چنین انتخابی را کرده مربوط به خودش می شود مثل انتخاب های شومی که سایر انسان ها در این دنیا می کنند. در هر صورت چون انسان ها در آن مقام، در مقام امکان هستند جهت رجحان یک طرف امکان دارای انتخاب می باشند و چون این انتخاب و اختیار همچنان ادامه دارد هر لحظه می توانند خود را تغییر دهند. موفق باشید